

یادداشت



دکتر مرتضی شیرودی  
دانشیار گروه سیاست مرکز پژوهشی  
تقدن اسلامی



## جهان اسلام و آینده نظم جدید جهان

حوادثی که امروز در جهان رخ می دهد و سرعت رخ دادن آنها نشانه ای از تغییر در نظم جهانی است. اما جامعه مسلمین جهان و جهان اسلام در این تغییر نظم چه نقشی دارند؟ و در آینده چه جایگاهی خواهند داشت؟ آیا تفاوت های جغرافیایی می تواند منجر به عدم اتحاد این جامعه شوند یا خیر؟ بررسی این موضوعات می تواند به پژوهشگران این حوزه کمک کند تا به دیدگاهی مناسب دست یابند. دکتر مرتضی شیرودی در این یادداشت به بررسی صور اصلی نظم جهانی و آینده جهان اسلام پرداخته است.

در میان انسان‌ها دعوت و اقدام می‌کند. (آیةالله خامنه‌ای - [khamenei.ir](http://khamenei.ir))  
 علی‌رغم تفاوت ظاهری در این تعاریف، در همه آن‌ها، وجوه مشترکی چون عقیده، آرمان، کتاب، پیامبر، قبله و... به چشم می‌خورد. پس می‌توان جهان یا دنیای اسلام را مجموعه انسان‌هایی دانست که حول محور خدا، قرآن و محمد (ص)، گرد هم آمده‌اند.

## صور اصلی نظم جهانی و آینده جهان اسلام

۱. اسلام سیاسی: طی چند دهه آینده، مسلمانان به جایگاهی مهم‌تر از گذشته در نظام‌های سیاسی در جهان اسلام دست می‌یابند. برخی از آن‌ها تندرو و برخی دیگر، رویه اعتدالی خواهند داشت، اما همه این‌ها علی‌رغم پی‌جویی وضع بهتر، با یک مشکل اساسی مواجه هستند. مشکل آینده آن‌ها، موجودیت و بقا نیست، بلکه پاسخ مفید و سازنده به مهم‌ترین مسائل اساسی مسلمانان است اما هراس و موضع دفاعی غرب نسبت به قدرت‌یابی نسل جدید مسلمانان افزایش می‌یابد، از این رو، چالش غرب به رهبری آمریکا با شهروندان مسلمان، استمرار رو به افزایشی خواهد داشت. (گراهام فولر - آینده اسلام سیاسی)

۲. بیداری اسلامی: وضع آینده جهان اسلام را بیداری اسلامی تعیین می‌کند؛ بیداری اسلامی یک جریان عام و پیش‌رونده خواهد بود که شامل تمامی افراد و گروه‌های سازمان‌یافته و غیر سازمان‌یافته می‌شود. این جریان دارای ویژگی‌های زیر خواهد بود: ۱. جمع میان سنت و تجدد؛ ۲. موازنه میان اصول ثابت و متغیر دین، ۳. پرهیز از جمود فکری و دوری از تجزیه و رها کردن دین اسلام، ۴. فهم و درک عام از اسلام به این معنا که اسلام در ابعاد عقیدتی، سیاسی، اجتماعی،

آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری، از یک گستره وسیع معنایی برخوردار است؛ این دو، دارای ظرفیت‌های بسیاری برای پیش‌بینی آینده است، زیرا با حوزه‌های علمی و مطالعاتی فراوانی گره می‌خورد، البته برای پیش‌بینی آینده، فراتر از دانش و علم، به ایده پردازی تخیلی و جسورانه نیاز داریم. نباید فراموش کرد که آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی، تلاشی نظام‌مند و هدفمند در نگاه به آینده کوتاه تا بلندمدت در حوزه‌های مختلف است. با این اوصاف، همان‌گونه که می‌توان آینده را پیش‌بینی کرد، می‌توان پیش‌بینی‌ها را تحقق بخشید. (امیر محمودزاده - آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری و مدیریت بحران)

## جهان اسلام

جهان اسلام را می‌توان به چندگونه تعریف کرد: ۱. دنیای اسلام در دوره امیرالمؤمنین، مرزهای هندوستان تا مدیترانه را در بر می‌گرفت، عراق، مصر، شام، فلسطین، ایران، همه و همه، مجموعه دنیای اسلام بود، نصف دنیای آباد آن روز، جزئی از دنیای اسلام می‌شد. ۲. دنیای اسلام یک مجموعه عظیم با مسائل مبتلا به و دردهای مشترک، با دشمنی‌های مشترک، با درمان‌ها و راه‌های علاج مشترک است. در حقیقت، مسائل و مشکلات عمده مسلمانان، با همدیگر مشترک است. ۳. دنیای اسلام، یک امت است، و رای ایرانی بودن و عرب بودن، پاکستانی و هندی بودن و و رای همه این‌ها و مانند آن، ملت‌ها و دولت‌های اسلامی، امت اسلامی را تشکیل می‌دهند.

۴. دنیای اسلام، به یک مجموعه انسانی اطلاق می‌شود که اعتقاد به توحید خالص دارد، به نفی عبودیت غیر خدای پر دازد، به استقرار عدل و اخلاق

قانون‌گذاری، صاحب‌نظر است. (یوسف قرضاوی- آینده‌بیداری اسلامی و مفهوم بنیادگرایی)  
۳. **استمرار بحران:** آینده‌جوامع مسلمان به بحران‌هایی معطوف است که این جوامع، اینک و بیشتر در آینده با آن‌ها، دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مهم‌ترین سطوح بحران در تکرار میراث سنتی، ترجمه میراث غرب یا بحران گسست از واقعیت معاصر خلاصه می‌شود. این بحران‌ها باریز بحران‌هایی چون زنان، دموکراسی، روشنفکری، عدالت اجتماعی، هویت دینی و... تفکیک می‌گردند. برای مقابله با این بحران‌ها، سنت اسلامی نیاز به ابداع دارد، در غیر این صورت، کل اندیشه اسلامی و کل فرهنگ مسلمانان رو به تباهی و فروپاشی خواهد رفت. (حسن حنفی و دیگران- میراث فلسفی ما)

۴. **پسا اسلام سیاسی:** اسلام سیاسی، امری گذرا و مقطعی است و در نهایت، نو بنیادگرایان مسلمان به این نتیجه می‌رسند که باید از دنیای مدرنیته، برای پویایی جوامع خود بهره بگیرند، لذا جوامع مسلمان بیش از آنکه به‌مثابه واکنشی علیه مدرنیته باقی بمانند به محصول مدرنیته غربی تبدیل می‌شوند. در واقع، پسا اسلام سیاسی چون اسلام اروپایی، محصول ترکیب توانایی‌های جهانی شدن و ظرفیت‌های اسلام سیاسی است. این، همان چیزی است که به نو بنیادگرایی معروف است. در نو بنیادگرایی، جوامع مسلمان از یک جامعه فراملی به یک نوع اسلام ملی، تغییر شکل خواهند داد. (الیور روآ- تجربه اسلام سیاسی)

۵. **فروپاشی حتمی:** بین اسلام و غرب، تضادهای فکری و فلسفی عمیقی وجود دارد، لذا هرگز میان آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌های غربی، سازگاری به وجود نخواهد آمد. در حقیقت، هیچ سازگاری میان

اسلام و دموکراسی وجود ندارد و شکاف فلسفی و هویتی میان اسلام و غرب، پرشدنی نیست و جهان اسلام به دلیل حقارت، حسادت و ترس، همواره در تضاد دائمی با غرب، باقی خواهد ماند. دنیای آینده بیش از امروز، متکثر و مدرن خواهد بود، در حالی که مسلمانان قادر نیستند دموکراتیک رفتار نمایند، لذا محکوم به فنا خواهند بود. (ساموئل هانتینگتون- نظریه بر خورد تمدن‌ها)

۶. **مصالحه هوشمند:** مسلمانان با بهره‌از تکنولوژی مدرن، می‌توانند پیام خود را گسترش دهند و اصول عام و جهان‌شمول اسلام را ترویج نمایند. بر این اساس، آن‌ها قادر خواهند بود در چارچوب یک نظام جهانی، خود به‌عنوان یک بازنگر با هویت فرهنگی مستقل در برابر تنوع و تکثر فرهنگی غرب جدید، به بازسازی دوباره خود دست بزنند. در این چارچوب، نه در درون گفتمان مدرنیته غربی، حل خواهد شد و نه به جنگ تمام‌عیار با گفتمان مدرن غربی خواهد پرداخت، بلکه در عصر جهانی شدن و تمرکززدایی از گفتمان غربی، شاهد بالندگی و شکوفایی جوامع مسلمان خواهیم بود. (برایان ترنر- رویکردی جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن)

### جمع‌بندی؛ حکومت مستضعفان

حکومت مستضعفان، رهاورد وحی الهی، بعثت انبیاء، امامت ائمه و منطبق بر عقل و فطرت اصیل انسانی، آخرین هدیه‌ای الهی است که بر حاکمیت الله و خلیفه الهی استوار است:

۱. حاکمیت بر جهان هستی، تنها از آن خداوند است، در واقع، اراده‌الهی بر سراسر گیتی حاکم و ادامه هستی به مدد و فیض او وابسته است. در واقع، جهان و تمامی ارکان و عناصرش در ید قدرت لایزال الهی قرار دارد

بِغَيْرِ طَرِيقٍ وَاصِحٍ، وَ لَاعَلَمَ قَائِمٍ؛ او نیز چون پیامبران امت‌های دیرین برای شما میراثی گذاشت، زیرا ایشان امت خود را وانگذارند، مگر به رهنمون راهی روشن و نشانه‌ای معین». (نهج البلاغه، خطبه اول)

### کتاب‌نامه

#### قرآن

#### نهج البلاغه

ترنر، برایان (۱۳۸۴). رویکردی جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی، پست‌مدرنیسم و جهانی شدن، ترجمه محمدعلی محمدی، تهران، یادآوران.

حنفی و دیگران، حسن (۱۳۸۰). میراث فلسفی ما، گردآورنده فاطمه گورایی، تهران، نشر یادآوران. خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله). [khamenei.ir](http://khamenei.ir)، ر.ا، اولیویه (۱۳۷۸). تجربه اسلام سیاسی، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی و حسین مطیعی امین، تهران، انتشارات الهدی.

فولر، گراهام (خرداد ۱۳۸۲). آینده اسلام سیاسی، ترجمه پیروزی‌زدی، نشریه علمی راهبرد، شماره ۲۷. قرضای، یوسف (۱۳۸۱). آینده بیداری اسلامی و مفهوم بنیادگرایی، مترجم موسی تیموری قلعه‌نوی، نشر تیموری.

محمودزاده، امیر (۱۳۹۳). آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری و مدیریت بحران، قابل دسترسی در: [www.bpshakhespajouh.ac.ir](http://www.bpshakhespajouh.ac.ir)

هانینگتون، ساموئل (۱۳۸۶). برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی رفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

و هم او است که انسان را بر سرنوشت خویش حاکم کرده و اداره جامعه بشری را به وی سپرده است؛ یعنی این که خداوند سبحان، حاکمیت خویش در تدبیر جامعه را به انسان واگذاشته که آن نیز تجلی اراده خدا است. در حقیقت، حاکمیت خدا بر روی زمین به دست رهبر برگزیده الهی صورت می‌گیرد که خود او نیز از سوی امت به جایگاه و منصب رهبری، دست یافته است. در چنین نظامی، عقلانیت، معنویت و عدالت، جامعه را به جهانی در مسیر کمال تبدیل می‌کند. یکتاپرستی، نقطه اشتراک همه انسان‌هایی است که در حکومت مستضعفان مشارکت می‌ورزند:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی‌دانند.» (روم: ۳۰)

۲. خداوند انسان را گرامی داشته است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم.» (اسرا: ۷۱)

از نظر دین، انسان موجودی هم مادی و هم رحمانی است. از این رو، برنامه حکومت جهانی مستضعفان با برنامه جهانی شدن غربی که در پی سلطه بر انسان است - از بنیان متفاوت است. زیرا اسلام در پی ارج نهادن به انسان‌ها است و تنها به استقلال آگاهانه و آزادانه او از پیام دین می‌اندیشد و هرگز در صدد تحمیل عقیده بر او نیست. به بیان دیگر، مهم‌ترین ویژگی امامت و رهبری در ساختار نظام جهانی اسلام، برگزیدگی انسان است. مولای متقیان، علی بن ابی‌طالب (ع) در این باره فرمود: «وَ خَلَفَ فِيكُمْ مَا خَلَفَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَّمِهَا، إِذْ لَمْ يَتْرُكُوهُمْ هَمَلًا،